

تبیین الگوی ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی شهرهای ساحلی خلیج فارس

حامد ایمان طلب* - دانشجوی دوره دکتری مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

فرهنگ مظفر - دانشیار گروه معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

محسن فیضی - استاد گروه معماری و منظر دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

مهدی خاک زند - استادیار گروه منظر دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

Pattern explained for new construction in historic environment of Persian Gulf coastal cities

Abstract

The historic environment as a living organism that comes some of the buildings that are be worn detrimental to the function of natural and human factors in damage over time. Based on the rules governing the urban fabric as well as will be facing the formation and deployment of new buildings. New structures in the historic environment the verdict dynamic living environment grow and have to be seen it as a reality and meet the needs of the people associated with the time. Precision in concept and approach the new era of the past we should acknowledge that category as the new structures is considered something new historical environment. This issue arises from the phenomenon known as the historic environment, in turn, is emerging. Because of the characteristics of modern thought is essentially a historical look at things. This kind of attitude on the part cut off from the past, tradition, history and monuments of the past have shaped. And therefore it is obviously in the process of growth and development in urban structure, will be separation of form and content structure of new construction and historic environment

Paper seeks to achieve the strategies, principles of intervention for designers to design new structures in historic areas. Guidelines are not fixed, but comprehensive, so that can be used in various situations and the specific characteristics of a variety of conditions and values are inherent in any consistent historical context. For this purpose, in order to achieve a global approach to this issue, the international agreements that have are examined to introduce internationally accepted principles. Following the study design strategies, principles and design in the historic environment is presented at the end approaches. Therefore, the theoretical foundations of new structures in the historical context and the factors considered in the design arises In addition to the urban part, due to the sex of their design and respect for the historical context and historical context will improve and restore the environment.

Key word: Historic environment - new structure - Intervention - pattern coastal city architecture

چکیده

محیط تاریخی به مثابه یک اندامواره زنده است که همراه بخشی از بناهای آن در اثر عملکرد عوامل محل طبیعی و انسانی در طی مرور زمان دچار تخریب، فرسودگی می‌شود. بر اساس قاعده حاکم، بافت شهری نیز با زایش و استقرار بناهای جدید روبرو خواهد بود. ساختارهای جدید در هر محیط تاریخی به حکم پویایی محیط زنده رشد می‌یابند و باید به آن به چشم یک واقعیت مرتبط با زمان و پاسخگویی به نیازهای مردم به آن نگریسته شود. با دقت در مفهوم و رویکرد دوران جدید نسبت به دوران گذشته باید اذعان نمود که مقوله‌ای به عنوان ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی امری نو تلقی می‌شود. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که پدیده‌ای به نام محیط تاریخی نیز به نوبه خود امری نوظهور است. چراکه اساساً نگاه تاریخی به اشیاء از شاخصه‌های تفکر مدرن است. این نوع نگرش براساس قطع تعلق از گذشته، سنت، تاریخ و اختصاص آثار تاریخی به گذشته شکل گرفته و نتیجه بدیهی آن در روند رشد و نمو ساختار شهری، جدا شدن شکلی و محتوایی ساخت و سازها و ساختارهای جدید از محیط‌های تاریخی خواهد بود. مقاله‌ی حاضر در پی دست یافتن به استراتژی‌ها، اصول و مبانی مداخله، جهت استفاده طراحان به منظور طراحی ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی است. دستورالعمل‌های پیشنهادی ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های خاص شرایط گوناگون و ارزش‌های نهفته در هر زمینه‌ی تاریخی منطبق گردند. بدین منظور ابتدا جهت دستیابی به رویکردهای جهانی به این موضوع، توافق‌نامه‌های بین‌المللی‌ای که توانسته‌اند اصول پذیرفته شده‌ای را در سطح بین‌المللی معرفی نمایند مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ در ادامه با بررسی استراتژی‌های طراحی، اصول و در پایان رویکردهای طراحی در محیط تاریخی ارائه گردیده است. لذا مبانی نظری مورد نظر در خصوص ساختارهای جدید در زمینه تاریخی و عوامل مورد توجه در طراحی مطرح می‌شود که علاوه بر داشتن نقش شهری، به دلیل جنس طراحی خود و احترام به زمینه تاریخی سبب ارتقاء و احیاء محیط و بافت تاریخی خواهد گشت.

واژگان کلیدی: محیط تاریخی، ساختار جدید، مداخله، الگوی معماری، شهرهای ساحلی.

تاریخی به پیوندی در گذشته و حال منجر خواهد شد و گفتگویی خلاق در محیط معاصر را پدید خواهد آورد و در روند شکل‌گیری معماری در محیط‌های تاریخی، روابط و سنت‌های موجود و ناملموس می‌تواند تولید فرم و الگو نماید. در جمع‌بندی می‌توان دو دیدگاه از طراحی در بافت تاریخی را به اختصار بیان داشت:

۱. دیدگاه اول: اهمیت و احترام به ساختمان تاریخی و ثروت فرهنگی موجود در محیط تاریخی؛
۲. دیدگاه دوم: بیان و القای روح معاصر در طراحی فضای جدید در محیط تاریخی.

پیشینه تحقیق

بنابر آنچه گذشت، نگاهی دوباره به نحوه رویارویی با بافت‌های تاریخی و به ویژه رویکرد کلی به چگونگی شکل‌گیری ساختارهای نو در زمینه‌های تاریخی و کهن می‌تواند به عنوان یک مساله مهم و حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مبانی نظری، ضوابط و معیارهای لازم در این زمینه تدوین و عملیاتی گردند. به هر حال، منابع مکتوب و مدون داخلی که مشخصاً به مقوله ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی پرداخته باشند چندان زیاد نیستند. در کتاب معماری زمینه‌گرا (برولین، ۱۳۸۳) اشاره به مواردی دارد که در محوریت زمینه‌گرایی معماری بیشتر معنا پیدا می‌نماید و کمتر با معماری محیط‌های تاریخی سرزمین ایران ارتباط پیدا می‌نماید. بهرام قدیری (۱۳۸۵) در کتاب ساختار جدید در محیط تاریخی روند روشن‌تری را بر اساس نوع مداخلات در نمونه‌های دنیا مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بررسی می‌نماید. سومین اثر مطرح شده که به صورت اختصاصی در این خصوص ارائه مطلب نموده است کتاب بناهای میان‌افزا اثر بیک زاده و مسعود (۱۳۹۱) می‌باشد که به مباحث مبانی نظری مرمت و مداخلات آن در قطعنامه‌ها و تجربه‌های جهانی پرداخت خوبی داشته است و یکی دیگر از منابع معماری در بافت موجود (۱۳۹۳) اثر «کرامر و بریلینگ» می‌باشد که بیشتر جنبه عملیاتی و

نیک دانسته می‌شود که محیط به شکل تاریخی بازتابی از جامعه است که این بازتاب در قالب مفاهیمی مانند هویت، خوانایی، دید، سازگاری و بسیاری از مفاهیم دیگر که از ویژگی‌های زمینه تاریخی اصلی خود می‌باشد، دیده می‌شود. در اثر دخالت‌هایی که در طول حدود یک قرن گذشته در شهرهای تاریخی صورت گرفته است، تعامل نه چندان مطلوبی میان بافت تاریخی و اجزای جدید در آنها رخ داده است. به عبارتی، اگرچه ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی، به لحاظ حفظ و تداوم حیات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بافت و نیز به منظور بهبود وضعیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی و هماهنگی با نیازها و اقتضات روز، ضرورتی انکارناپذیر است، اما این ضرورت در صورتی که رویکرد مناسب و عالمانه‌ای نداشته باشد، باعث آسیب دیدن چهره و سیمای کلی شهرهای تاریخی می‌گردد. «ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی قبل از آنکه صرفاً یک بنای معماری باشد، در بافت تاریخی به عنوان بخشی از شهر معرفی می‌شود که باید برای حفظ انسجام و تداوم با بخش‌های تاریخی پیرامون از قواعد و ضوابط خاصی پیروی کند» (توسلی، ۱۳۶۵، ص ۷۹).

محیط تاریخی تنها یک فضای کالبدی و فیزیکی نیست بلکه محیطی است برخوردار از مفاهیم، ارزش‌ها و پیام‌هایی است که به واسطه کالبد انتقال پیدا می‌کند. ماندگاری ارزش‌های معماری تاریخی امکان پذیر نیست مگر با در نظر گرفتن الگوهای ارزشمند و پایدار در حوزه معناشناختی و حوزه کالبدی معماری که منجر به هماهنگی‌های کلی و پیوستگی و تداوم اندیشه‌های معماری در محیط خواهد شد.

محیط تاریخی دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافصل خود متمایز می‌نماید (عزیزی و آراسته، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶). به دنبال ایجاد بهانه‌ای برای حضور انسان در محیط تاریخی پویایی و تحرک در جوار بناهای

اجرایی دارد و بر اساس نگاه پروژه‌ای دستورالعمل اجرایی مناسبی را ارائه نموده است. تلاش‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفته‌اند، غالباً در طرح‌های فرادست گوناگونی اعم از طرح‌های جامع و به‌ویژه طرح‌های تفصیلی شهرها یا بافت قدیم و نیز بافت‌های فرسوده شهری بازتاب یافته‌اند. این طرح‌ها در بسیاری موارد به منظور هدایت ساخت و سازها و پدید آوردن وحدت، به ارائه ضوابط و معیارهای ساخت و ساز پرداخته‌اند. اما تقریباً در موارد نادری می‌توان اشاره‌ای به مبانی نظری و رویکردهای اصولی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌ها و زمینه‌های تاریخی یافت. در منابع خارجی به اقتضای توجه بیشتر آنها به شهرهای تاریخی و بافت‌های کهن و ارزشمند و نیز به دلیل اهتمام جدی‌تر آنها به مقوله شهر و کیفیات آن پرداخت ژرف‌تری نسبت به مقوله ساخت و سازهای جدید و کنترل معمارانه آنها به‌ویژه در ارتباط با «زمینه» صورت گرفته است

روش تحقیق

در تحقیقات برای شناسایی و حل مسائل، نیاز به دانش و تسلط بر روش‌شناسی‌های علمی و مسیر تحقیق است. تحقیقات کمی و کیفی که از دو مبنای متفاوت پارادایمی‌اند، این مسیرها را مشخص می‌سازند. در هر رویکرد کمی و کیفی برای انجام پژوهش نیاز به ابزار و روش‌های متفاوتی است (مارشال، ۱۳۸۶، ص ۲۵). مقاله حاضر با روش تحلیل و پدیدارشناسانه و با روش گردآوری داده‌های میدانی با نگاهی ویژه به یادداشت برداری تئوری و مشاهده‌ای در حوزه منابع مکتوب و از سویی با نگاه موردی به شهرهای ساحلی استان هرمزگان انجام پذیرفته است. روش پدیدارشناسی در این مقاله دستیابی و استخراج الگوها را مدنظر خواهد داشت. سوالات پژوهش عبارتند از: ۱. رویکردهای طراحی در محیط‌های تاریخی چیست؟ ۲. استراتژی طراحی در محیط تاریخی شهرهای ساحلی چگونه است؟ و ۳. جایگاه اصالت معماری در اصول طراحی شهرهای

ساحلی چیست؟

ضرورت مداخله در محیط‌های تاریخی

عواملی که مداخله در بافت‌های شهرهای تاریخی که گریزناپذیر می‌سازند و لزوم باززنده‌سازی شهرهای تاریخی را مطرح می‌نمایند و یا باعث ساخت و سازهای جدید در این شهرها و بافت‌ها می‌شوند، به این گروه‌ها تقسیم می‌شوند:

۱- تخریب ساختمان و تغییرات ناشی از دخالت‌های گسسته در روحیه شهر و روند زندگی شهر، به‌گونه‌ای تحمیلی از سوی بیگانگان مانند جنگ، شورش‌ها و غیره.

۲- تخریب ساختمان و یا بخشی از آن و دگرگونی‌های ایجاد شده ناشی از عوامل طبیعی غیر قابل پیش‌بینی مثل: زلزله، سیل و غیره.

۳- تغییرات و مداخلاتی که پیوسته با پاره‌ای از نیازهای محلی و (پیش‌تر وابسته به نیازها و سلیقه‌های فردی و تصمیمات قشر اداره‌کننده شهر و کم‌تر زاده نیازها و سلیقه‌های ساکنان بومی) بر فضای کالبدی شهرها اعمال می‌شوند (بهزادفر و نورمحمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

مکاتب مداخله در محیط‌های تاریخی

۱- مکتب کارکردگرایی: این مکتب در صفت خاص نظام‌پذیری گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های بزرگتر اجتماعی به عمق می‌رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می‌پردازد

۲- مکتب خردگرایی: الدو روسی معماری بناهای تاریخی را دربرگیرنده خاطرات افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می‌داند و نقش آن را در خلق هویت‌اسایی می‌داند.

۳- مکتب فرهنگ‌گرایی: توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می‌داند، مرمت و تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه‌ای از جمله رویکردهای مهم این مکتب است (اسمعیلی سنگری، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

ضوابط بین المللی در ارتباط با طراحی در جوار بافت های قدیمی

قطعه نامه ها، معاهدات و منشورهای بین المللی عموماً از ساختار یکسانی برخوردار هستند، به این ترتیب که در ابتدا از مسائل مشترک سخن می رود. در ادامه تعدادی از مهمترین این اسناد در خصوص حفاظت و مرمت محوطه ها و شهرهای تاریخی از منظر توسعه و ساخت و سازهای جدید مورد بررسی قرار می گیرند. اسناد گفته شده در برخورد با موضوع مداخلات و ساخت و سازهای جدید از دیدگاه های یکسان برخوردار نبوده و بنا به خاستگاه و اهداف خاص خود، موضع گیری های متفاوتی نسبت به موضوع نشان می دهند. از این جهت و به واسطه سهولت مطالعه و ارزیابی، اسناد یادشده پس از بررسی های محتوایی، در قالب سه گروه به ترتیب زیر دسته بندی شده اند.

۱- گروه اول: این گروه از اسناد اصولاً یا مخالف ساختارهای جدید در محوطه های تاریخی هستند و یا آنکه با تأکید بر حفاظت، مرمت و بازسازی تاریخی، نسبت به ساخت های جدید به صورت بسیار محدود و حاشیه ای برخورد کرده اند.

۲- گروه دوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید به عنوان یک واقعیت و تغییر گریز ناپذیر در بافت پذیرفته شده و با توجه دادن به جنبه هایی محدود از ویژگیها و خصوصیات محوطه های تاریخی، ساختارهای جدید مشروط گردیده اند.

۳- گروه سوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید در محوطه های تاریخی نه تنها پذیرفته شده که تشویق نیز گردیده و در مواردی حضور آن عامل ایجاد روحیه و حیات شهری و یا به عنوان سهم عصر حاضر در میراث فرهنگی معرفی گردیده است. برخی اسناد این گروه با گشاده دستی و توجه بیشتر نسبت به شرایط این حضور به ارایه معیار پرداخته اند.

یکی از نخستین نمونه های این نشست ها، کنگره

آتن بوده است که ماده ۷۰ آن به کار بردن سبک های گذشته در ساختمان های جدید واقع در محوطه تاریخی را مردود اعلام می کند. این ماده هر گونه بازگشت به گذشته را نفی می کند. زیرا به اعتقاد شرکت کنندگان در آن کنگره، شاهکارهای گذشته طریق تفکر و اندیشه های زیبایی شناسی هر نسلی را به ما نشان می دهند. تقلید گذشته همان تن در دادن به دروغ بوده و به معنای بالابردن «بدل» تا «اصل» است؛ چون هیچ گاه نمی توان شرایط کهن کار را تجدید کرد (حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲).

ماده یک از کنگره ونیز در این باره معتقد است که مفهوم اثر تاریخی نه تنها شامل ساخته های منفرد معماری می گردد، بلکه «فضای شهری» و مناظری را که شاهد گویایی از یک تمدن خاص، از یک تحول مشخص یا از یک حادثه تاریخی به شمار می آیند نیز در بر می گیرد. ماده ۶ از همین کنگره بر حفاظت محیط اطراف علاوه بر نگه داری ابنیه تاریخی تأکید می ورزد. احداث هرگونه ساختمان جدید در آن محیط و همچنین تخریب بناها و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به طوری که در روابط، حجم و رنگ آن ها تأثیر بگذارد، به کلی ممنوع است. بیانیه بوداپست نیز بر کلیت گذشته، حال و آینده تأکید داشته و اعتقاد به حفظ هماهنگی میان هر سه زمان دارد. اهداف این بیانیه عبارت اند از: الف) معماری معاصر در مجموعه های ساختمان قدیمی، و ب) باززنده سازی ابنیه یا بافت با عملکرد مناسب.

اصول پیشنهادی بیانیه بوداپست نیز ضمن ارزش قائل شدن به مجموعه های تاریخی، بر اجتناب از هر گونه تقلید از مجموعه ها و ابنیه تاریخی گذشته تأکید می کند. بیانیه ترینیدا نیز استفاده از شیوه های معماری بومی، بهره گیری از مصالح محلی و مشارکت مردم بومی در تصمیم گیری های حفاظتی را توصیه می کند. اساس طرح مسئله ساختار جدید در محیط تاریخی به طور شاخص در قرن ۱۹ همراه با گذار از جهان سنت به مدرن مطرح می شود

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم
طراحی با تاریخ	تعریف عملکرد مناسب	مدرن سازی	انطباق	بیان معمارانه
-	مداخله های حساس	-	جایگزینی	همخوانی
-	-	-	-	پیوند و بازنمایی

(حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵).

ضوابط طراحی در شهرهای ساحلی

در ادامه بحث ضوابط بین المللی باید به ضوابط خاص شهرهای ساحلی اشاره داشت، در این خصوص همایش عمومی بین المللی (شهرهای کناره دریا و مناطق ساحلی توریسم و توسعه در سال ۲۰۰۷) در شهر کوالا یونان برگزار شد؛ نکات ذیل اشارات کلیدی به طراحی در محیط های تاریخی شهر های ساحلی دارد:

۱- ارزش استراتژیک محدوده های کناره آب برای رشد کل شهر: الف: پاسخی به نیاز گسترش شهر در محدوده مرکزی و ب: راحتی از نظر کیفیت و کمیت در تقابل با نتایج منفی گسترش شهر در حومه.
۲- فاکتور موقعیت شاخص کناره آب در شهر: الف: به مراکز شهر بسیار نزدیکند، حتی اگر در گذشته دسترسی مشکل بوده است و ب: بازیافت کناره آب به معنای فراهم کردن فضاهایی برای معرفی فعالیت های جدید است.

۳- تاریخچه غنی از زیر ساخت ها و ساختمان های قدیمی: الف: ترمیم ساختمان های قدیمی با ارزش و تخصیص کاربری جدید و ب: حفظ و نگهداری هویت اصلی مجموعه.

۴- ایجاد تماس مستقیم با آب: الف: دسترسی آزاد مردم به کناره آب و ب: آب به عنوان منبعی با ارزش دیده می شود. و ج: آب عنصری مثبت برای کیفیت جدید شهری است.

۵- ارزش سمبلیک و باشکوه کناره آب: همچنین در خلال کنفرانس جهانی آینده شهرها و نمایشگاه ۲۰۰۰ در برلین، ۱۰ معیار برای توسعه پایدار محدوده های

کنار آب تصویب شد.

۶- حفظ کیفیت آب و محیط زیست: کناره آب بخشی از استخوان بندی اصلی شهر است. هویت تاریخی شخصیت بخش است. اولویت دادن به کاربری های مختلط و دسترسی عمومی شرط لازم است چه به لحاظ بصری و چه به لحاظ فیزیکی و برنامه ریزی با مردم و برای مردم به فرایند اجرا سرعت می بخشد. مشارکت عمومی عنصر کلیدی و پایدار است. توسعه کناره آب فرایندی طولانی مدت است و احیا فرایندی مداوم است. کناره آب از تباطی بین المللی منتفع گردد (پور جعفر، ۱۳۹۲، ص ۵۹-۶۰).

استراتژی های طراحی

در خصوص طراحی در محیط های تاریخی، مبانی ذیل به عنوان استراتژی های طراحی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- طراحی با تاریخ

چالش استفاده از ساختمان های آسیب دیده به عنوان پایه و زمینه ای برای طرح های جدید نخستین بار در زمان مدرنیته و بعد از ویرانی های جنگ جهانی دوم مطرح شد. رویکرد مهم به بخش های تاریخی موجود و توصیف ارزش های ظاهری بوده است. معماری کالبد قدیم از طریق مادی گرایی خود و با به کار بردن مفاهیم ساختاری و رویکردهای طراحی جدید به عنوان نمودی از حال و آینده ای که از آن بر خواهد خواست، خود را برجسته تر می کند. علاقه تجدیدشده به محیط ساخته شده تاریخی و شهری موجب رواج مجدد کار بازسازی و تبدیل در دهه ۱۹۷۰ شد از نقطه نظر تئوریک آمادگی بیشتر برای الهام گرفتن از بافت ساختمانی تاریخی و ایجاد

چیزی جدید از میان ویژگی‌های خاص آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. این نوع تحلیل مبتنی بر ویژگی‌های خاص هر مکان، روح یک مکان، همچنین می‌تواند برای فرآیند طراحی به روش‌های دیگری مهار شود. «برنهارد هاوسلی» روشی را برای تحلیل انتقادی از الگوهای ساده هندسی تقلیل داده در حالی که پایه‌ای مشترک برای قدیم و جدید استنتاج می‌کند در این حالت طراحی جدید به عنوان تداومی از الگوی پیشرفت به حساب می‌آید و به این ترتیب بنای جدید هم از نظر ساختاری و هم از نظر تاریخی به مکان مرتبط است. حتی اگر در ظاهر کاملاً ناهمسان به نظر بیاید (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

ب- تعریف عملکرد مناسب

این تصور که بهترین استفاده از بنای قدیمی تداوم عملکرد فعلی آن است، نخستین بار صراحتاً در منشور ۱۹۶۴ ونیز مطرح شد (فلامکی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵).

پ- مداخله‌های حساس

پلان ساختمان، توزیع فضاها و الگوی رفت و آمد در بنای قدیمی، اغلب با موارد مشابه در چیدمان معمولی که ممکن است هنگام تعریف برای بنای جدید به کار رود، متفاوت خواهد بود. ارتفاع فضاها ممکن است بسیار زیاد یا بسیار کم باشد و تناسب، شکلها و توالی فضاها در بنای قدیمی عموماً با تکامل بنا، الگوی کاربرد و محدودیت‌های تکنیکی آن زمان مشخص می‌شدند، اغلب الگوی تاریخی جریان و دسترسی در مقایسه با ضرورت‌ها و نیازهای امروزی نامتعارف می‌باشد (تیزدل، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

ت- مدرن سازی

بهبود بنا به منظور اهداف کنونی چه به نام انطباق شناخته شود، چه به نام ارتقای سطح، مدرن سازی بخش طبیعی از چرخه حیات بناست. معیارها تغییر می‌کنند و بناهای موجود به طور مداوم برای سازگاری با انتظارات فعلی هماهنگ می‌شوند (همان، ص ۱۱۱).

ث- انطباق

انطباق بناهای موجود برای اطمینان از کاربرد مداوم آن‌ها جنبه اصلی طراحی معماری در بافت‌های ساخته شده موجود می‌باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، دوره بازسازی با اقدامات ابتکاری بسیاری در تکمیل بقایای ناتمام شناخته می‌شود. اصل تداوم بخشی به ساختار موجود بنا اما در فرم ساده شده است. از میان تمام رویکردهای مختلف به انطباق، استراتژی تبدیل به طور وسیعی در میان معماران در گذشته اتخاذ شده است. تبدیل در ابتدا بر طراحی دوباره فضاها موجود و انطباق با کاربری جدید تمرکز می‌کند (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). مساله کلیدی این است که چگونه هر دو بخش با هم مرتبط می‌شوند. نه تنها این مسئله در مورد فرم و شکل بوده بلکه در خصوص موارد فنی و سازمانی نیز صادق می‌باشد. این تصور که بنای موجود می‌تواند از طریق افزودن الحاقات جدید بدون تغییر باقی بماند در واقعیت کمتر صادق است. حتی زمانی که هیچ کار ساختمانی در بنای قدیمی انجام نشود، دسترسی‌های جدید، ورودی‌ها و مفاصل بایستی برای اتصال دو ساختمان ایجاد شوند و این کار اغلب به تغییر در روش دسترسی و استفاده از بنای موجود منجر می‌شود (برولین، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

ج- جایگزینی

در فرآیند جایگزینی همیشه جایگزین وجود دارد و به جای اصل نشسته است و صرفاً برگردانی از اصل تلقی می‌شود.

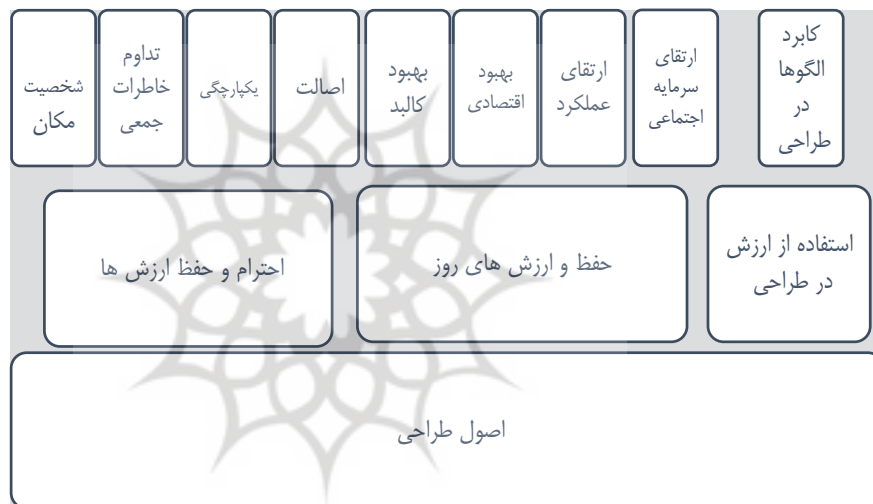
چ- بیان معمارانه

هر چقدر هم که مفهوم طراحی یا استراتژی مناسب باشد، نتیجه نهایی توسط کیفیت‌های ظاهری و هنری طرح کلی مشخص می‌شود. چگونه ساختمان جدید با قدیم ارتباط دارد آیا مداخلات مشهودند یا خیر. احتمالات از تطابق همبستگی حداکثر تا تضاد آشکار درجه بندی می‌شوند. هر طراحی که در بافت ساختارهای موجود ایجاد می‌شود باید پاسخگوی این مساله باشد که الحاقات جدید چطور

جدول ۲. اصول در مرمت شهری؛ ماخذ: فلامکی، ۱۳۷۹، ص ۷۶.



جدول ۳. اصول طراحی در محیط تاریخی؛ ماخذ: حناچی، ۱۳۹۱، ص ۸۹.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۳ ■

خود را با آنچه که قبلا وجود داشته مرتبط و یا خود را از آن متمایز می سازند (رادول، ۱۳۹۲، ص ۴۳). می سازد. طرح جدید خود را از طریق تفاوت ظریف و نه تضاد مستقیم، خود را از بنای موجود باقی می ماند. از طریق انتخاب دقیق مصالح و ابزار هنری، عنصری جدید با عنصر قدیم مشابهت پیدا می کند. با درگیر شدن با ویژگی های اصیل تبادل نظر میان جدید و قدیم حاصل می شود. دنباله روی از سنت مزیت ارتباط هماهنگ با اصالت و اجتناب از گسیختگی فنی و ساختاری را داراست (کرامر -بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

خ- پیوند و بازنمایی

شیوه ای که جدید و قدیم با هم مطرح می شوند، مشخص می سازد که بنای موجود نقش اصلی یا

ح- همخوانی
تداوم فرم های موجود و روندهای معماری رویکرد ساده ای برای هماهنگ سازی طرح های جدید و قدیمی می باشد. جایی که فرم ها، رنگ ها مصالح و ساختارهای مشابه برای بناهای جدید به کار می روند و جایی که الحاقات همخوان با حجم اصلی، به کار می روند، نتیجه هماهنگ ولی ابتدا اندکی بی روح خواهد بود. با این وجود تفاوت های جزئی میان بنای جدید و اصیل جایی برای نمود فراهم

حمایتی ایفا می کند. در نقطه ای که آن ها با هم پیوند می یابند می توان به ارزشی که توسط معمار به بنای موجود داده می شود پی برد، و به طور کلی می تواند موقعیت وی را در ارتباط با تداوم تاریخی معماری در نظر گرفت. تقریباً در تمام طرح های ایجاد شده در بافت های بناهای موجود رابطه نخستین بخش بصری از دو قطبی بودن قدیم و جدید و جدایی گذشته از حال می باشد (همان، ص ۱۴۴). در این خصوص معیارهای راهبردی متناسب با معیارهای سازماندهی مطرح می باشند این معیارهای در خصوص زمینه تاریخی که محیط تاریخی را شکل می دهد عبارتند از: تنوع فضایی یا گوناگونی-توزیع متعادل گروه های فعالیتی- پیوستگی ساختاری- انسجام کالبدی، فضایی- اولویت های عرصه های همگانی (محمودی و اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

مداخلات در مقیاس شهر و محیط تاریخی، متناسب سازی ابعاد پیکره قدیمی شهر با آمد و شد و نیاز های پیکره های کالبدی-کارکردی است. از سویی پرداختن به شکل روانی بناهای تاریخی در طول شریان های توسعه شهری خواهد بود. شهر به عنوان موجودیتی زنده و پویا، اگر دگرگون نشود می میرد و این دگرگونی های همزمان در گستره ای کالبدی و ارتباطی، جمعیتی، فرهنگی و تولیدی و خدماتی تحقق می پذیرد.

در مرمت شهری ویژگی های اصلی و اساسی وجود دارد که در اولین گام نگهداشت پیکره های کالبدی بناها قرار دارند که البته این امور مداخلات در چارچوب شهر و از طریق الگوبرداری محقق می شود (فلامکی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

معماری همیشه با زمان مرتبط است. بناهای طوری طراحی می گردند تا هدف مشخصی را جواب دهند، مصالح و شکل آن ها به گونه ای است که با ابزارها، تکنیک ها و سنت های موجود مشخص می شوند. وقتی این ساختمانها تکمیل می شوند همگی در معرض تغییر شکل های بعدی هستند. تغییر شرط طبیعی زندگی است (کلانتری و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص

اصول طراحی در محیط تاریخی

می توان بر اساس مطالعات انجام گرفته و معماری موجود در هر محیط تاریخی و بر همین مبنا رویکردهای مداخله به سه جنبه اصلی در طراحی اشاره داشت که مبنای الگوی معماری مداخلات خواهد بود.

اصل اول: احترام و حفظ ارزش های تاریخی و فرهنگی در طراحی

رعایت شخصیت مکان: زمانی که انسان در یک فضا قرار دارد، در شخصیت محیطی آن فضا قرار می گیرد؛ مداخله انسان ها در مکان زمانی بیش از همه موفق خواهد بود که بتواند در وهله اول شخصیت اصلی مکان را بشناسد و محیط هایی را خلق نماید که با این شخصیت بیشتر هماهنگ باشد (پرتوی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). از این روست که بر اساس ماده ۶ قطعنامه ونیز (ساخت هر گونه ساختمان جدید در بافت قدیمی و همچنین تخریب بناها و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به طوری که در روابط، حجم و رنگ آن ها تاثیر بگذارد، به طور کلی ممنوع است) و بررسی الگوهای موجود دست یابی به فضایی حائز اهمیت است که به روح ویژگی هایی فضایی منجر شود (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

رعایت اصالت: بر مبنای سند نارا در خصوص اصالت (۱۹۹۴)، توانایی برای درک ارزش های میراثی، به میزان معتبر یا موثق بودن و در نتیجه، اصیل بودن منابع داده ها بستگی دارد. باید گفت اصالت یک کار هنری، میزان راستین بودن وحدت ذاتی فرایند خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تاثیرات پیام آن در طول زمان تاریخی آن است (حناچی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶). در این مبحث، حفاظت معماری به عنوان شاخصه ای بر مبنای اصالت به روندی پویا منجر خواهد شد، بر این مبنا اثر تاریخی به عنوان یک اثر پویا با رویکر اصالت مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت،

در این میان توجه به نمودهای عینی این مفهوم در رابطه متقابل میان بخش‌های قدیمی و جدید اثر تاریخی انطباق بیشتر روند حفاظت بر ارزش‌های بومی و غنای تلقی از اصالت را در پی خواهد داشت (پدرام، اولیا و وحیدزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

رعایت یکپارچگی: می‌توان یکپارچگی بافت را با رعایت ارتباط‌ها و پیوستگی‌ها از نظر دیداری و ساختاری (کالبدی و عملکردی) حفظ کرد.

رعایت تداوم خاطرات جمعی: تداوم خاطرات جمعی بی‌شک ایجاد حس تعلق به مکان را به همراه

خواهد داشت. می‌توان با تاکید بر بکارگیری فضاها و عناصر نمادین، سلسله مراتب‌های گوناگون ارتباطی فضاها را جمع‌ای و عمومی، نوع شناسی ارتباط کالبدی فضاها که دست کم فرهنگ رفتاری فضاها در محیط تاریخی را مخدوش نکند تداوم خاطرات جمعی را بیشتر تضمین می‌کند (Orbasli, 2008: 89).

اصل دوم: حفظ و ارتقای ارزش‌های روز در بافت؛ **اصل سوم:** استفاده از اصول ارزشمندی بناها **در طراحی بناهای جدید.**

به نوعی می‌توان در فرآیند یکپارچگی به مفهوم

جدول ۴. رویکردهای طراحی؛ ماخذ: نگارنده.

نمونه موردی	تصویر	زمینه فکری	جنبه‌ها	رویکرد
ژرژ پمپیدو		اشتراک با زمینه جدید و قدیم	تمایز (سنت) تضاد	تضاد و تباین
هتل یزد		الگوی معماری	هم افزایی سبکی	تشابه بیشینه‌ای
رایشستاک		پوسته	تخلیه درون	حفظ نما
بافت جویباره		پوسته	ساماندهی پوسته	نماسازی تزئینی
بدنه چهار باغ		الگوی معماری	زمینه	عناصر وحدت بخش
			عدم تعامل	معماری خنثی
مسجد جامع میبد		تضاد	فانتزی	ناپایدار
موزه لوور		پنهان سازی	شفاف سازی آئینه‌ای (بازتاب) پنهان سازی	ناآشکار (آئینه‌ای)
مجتمع دزفول		الگوی زمینه	تداوم	زمینه‌گرا

وحدت اشاره نمود که خود یکی از معیار های زیبایی و ارزشمندی های محیط تاریخی است، وحدت و هماهنگی در محیط تاریخی دارای مولفه های متنوعی است که می توان به آن ها اشاره نمود: الف: وحدت در فرم های کالبدی؛ ب: وحدت در الگوهای فضایی؛ ج: وحدت در عناصر معماری؛ د: وحدت در الگوهای سازه ای و مصالح؛ و ه: وحدت در هندسه و نقشمایه (مسعود- بیک زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

رویکردهای طراحی در محیط تاریخی

در خصوص طراحی در محیط تاریخی رویکردهای به طور کلان وجود دارند که بر این مبنا می توان به روش های ذیل اشاره نمود.

از آنجا که هر اثر معماری در ارتباط با آنچه در پیرامون آن قرار دارد درک می شود، لذا نحوه ادراک دانه های موجود پیرامون و کیفیت معماری آن ها متاثر از ساختارهای جدید خواهد بود (مسعود، بیک زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۵). پیرامون ما اساسا تحت تاثیر معماری است. از چشم اندازهای وسیع فرهنگی تا همسایگی های محلی، بناهای تاریخی شخصیت و ظاهر محیط ما را مشخص می کنند. شهرها تا حدود زیادی با شکل ظاهری و ترتیب بناهایشان شناخته می شوند و این ثابت می کند که یک مکان در طول سال های طولانی، قابل تشخیص باقی می ماند. معماری ویژگی های متمایز یک مکان از جمله روح و هویت آن را مدیریت می کند. این اصطلاح شامل ویژگی های ماندگار و جدید و نیز پتانسیل یک محیط ساخته شده است و نگهداری و توسعه مداوم از تکالیف اولیه طراحی شهری است.

گذشته از بناهای برجسته و مهم زمان تمام شهرها و نواحی با تنوع و بافت ساختمان هایشان که ارزش هنری و معماری متفاوتی دارند شناخته می شوند و حامل بسیاری از خاطره های شخصی در طول زمان و همچنین بخشی از حافظه جمعی هستند. اهمیت تداوم معماری و جهتی که به دست می دهد زمانی آشکار می شود که ساختار شهری به سرعت تغییر شکل می دهند (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

هنگامی که بنا به دلایل مختلف، حضور ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی ضرورت می یابد، طراحی بناهای جدید می بایست سازگار با زمینه ی تاریخی موجود در نظر گرفته شود. باید توجه داشت درک زمینه و سازگاری با بناهای مجاور، هرگز بر تقلید صرف متکی نبوده و از یک معماری معاصر جلوگیری نمی کند و در حقیقت معماری معاصر موفق به آن نیاز دارد. از آنجا که سازگاری ساختار جدید به طرح زمینه ی تاریخی آن وابسته است، تعریف مشخصی برای آنچه که سازگار خواهد بود و یا ناسازگار، به طور مطلق، وجود ندارد. آنچه که در این بین مهم است، این است که با استفاده از رهنمودهای طراحی، سازگاری چگونه می تواند حاصل شود. در این راستا درک زمینه ی طراحی جهت پاسخ به کیفیت های خاص و یا محدودیت های آن در اولویت تمام امور قرار دارد. با توجه به موارد عنوان شده، دیاگرامی شامل پنج شاخص کلی که در خصوصیت یک زمینه ی تاریخی مؤثر هستند و عواملی که می بایست در ارتباط با هر یک از این شاخص ها در هنگام طراحی ساختارهای جدید مورد توجه قرار گیرند، ارائه می -گردد. باید در نظر داشت که برخی از این عوامل دارای تأثیر همزمان بر روی شاخص های دیگر نیز هستند. برای مثال اهمیت خط آسمان موجود و یا لحاظ کردن فضایی واسط بین بنای جدید و قدیم، به منظور کاهش تأثیر مقیاس بنای جدید، از جمله عواملی می باشند که در مقیاس ساختار جدید می بایست مورد توجه قرار گیرند، اما از آنجا که این عوامل دارای تأثیر بیشتری بر شکل ساختار جدید می باشند تحت عوامل مورد توجه در این شاخص عنوان شده اند. به طور کلی توجه به هر یک از این عوامل می -تواند منجر به راه حل های گوناگون و گاه مشترکی شود که بر حسب شرایط هرزمینه ی تاریخی متفاوت خواهند بود و تنها با درک درستی از خصوصیات زمینه ی تاریخی قابل دست یابی می باشند (شاه تیموری، ۱۳۹۱، ص ۳۸). تبیین الگوی ساختار جدید مستلزم شناسایی

جدول ۵. طراحی ساختار جدید؛ ماخذ: شاه تیموری، ۱۳۹۱، ص ۴۰.

عوامل موثر در خصوصیت زمینه تاریخی جهت طراحی ساختار جدید				
کاربری	موقعیت قرار گیری	مقیاس	شکل	مصالح و جزییات

جدول ۶. الگوی معماری مسکن حاشیه خلیج فارس؛ ماخذ: نگارنده.

الگوی شماره ۱	الگوی شماره ۲	الگوی شماره ۳	الگوی شماره ۴	فرم حیاط
خانه های ال شکل	خانه های یو شکل	خانه های خطی	حیاط مرکزی	
				شکل الگو
۴۸٪	۳۵٪	۱۰٪	۷٪	درصد الگوی موجود در بافت

جدول ۷. الگوی های چهارگانه مسکن؛ ماخذ: نگارنده.



جدول ۸. الگوی های توسعه مسکن؛ ماخذ: نگارنده.



لافت، بندر کنگ و بندر لنگه ارزیابی در معماری غالب برجای مانده که از گونه مسکونی است انجام پذیرفته است. در این راستا در ۵ الگوی کلان دسته بندی صورت گرفته است. در رابطه جز از کل الگوی هایی قرار گرفته اند که پهنه کارکردی خاص

الگوی های ارزشمند موجود است که بنا بر مبانی نظری مداخله های عنوان شده در بخش های فوقانی مقاله به عنوان ساختار اصلی مداخله شناخته می شود به همین دلیل در شهرهای ساحلی دارای معماری و محیط تاریخی ارزشمند از جمله بندر

دارند. در بحث کیفیت فضایی الگوهایی که فضاهای معینی را شرح می دهند مانند شفافیت و انعطاف پذیری در خصوص پیوند محله به رابطه تک دانه های معماری با محیط تاریخی اشاره دارد که از چه الگویی پیروی می کند در خصوص اجرای برتر در خصوص عملکرد و کارایی فضاهای معماری مد نظر است و در نهایت در سطح کارایی هدف یک جا گردآمدن همه الگوها و درآمدن بهترین گزینه مطرح خواهد بود.

با مطالعه زمینه تاریخی در شهرهای ساحلی و تحلیل قیاسی نمونه های برداشت شده در خصوص الگوی مدخله و دست یابی به زبان الگوی معماری موجود ارزشمند، می توان نتایج ذیل را بررسی نمود .
بررسی الگوی شکلی مسکن به عنوان معماری غالب

تحلیل داده ها

با توجه به بررسی های انجام شده در خصوص الگوی معماری مسکن ارزشمند در محیط های تاریخی ساحلی می توان بر اساس متغیر های پایه که در جدول زیر ارائه شده است. به ارائه الگوهایی پرداخت که بر این مبنا بتوان الگوی مداخله را تعریف پذیر نمود. تاکید این مقاله بر پایه تعریف مداخله در محیط تاریخی است که اصالت فرم و

جدول ۹. زبان الگوی طراحی مسکن در حاشیه خلیج فارس؛ ماخذ: نگارنده.

الگو	توصیف	نوع الگو			
		جز از کل	کیفیت فضایی	پیوند با محله	اجرای برتر
نشانه های محلی					
پیوند با محله					
ورودی					
عرصه خصوصی					
عرصه جمعی					
حیات					
مطبخ					
ایوان					
سطوح گردش عمودی					
بام های محرم شده					
سطوح گردش افقی					
اتاق					
اتاق بادگیر					
انبار					
فضاهای انعطاف پذیر					
تهویه طبیعی					
نور طبیعی					
شفافیت					
چشم انداز					
برابند تمام الگو ها و رسیدن به یک پاسخ منطقی					

تصویر ۱۰. تبیین الگوی معماری در محیط های تاریخی شهرهای ساحلی؛ ماخذ: نگارنده.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۹ ■

آور یا سودمندی بر محیط پیرامونی خود یا بنای با ارزشی که در مجاورت قرار دارد داشته باشد هدف از یک طراحی در زمینه تاریخی در درجه نخست باید حفظ کیفیت های خاصی باشد که خصوصیت یک مکان را ایجاد می کنند. در این راستا حفظ ارزشها اصالت و یکپارچگی مکان می بایست در الویت های هر مداخله ای معمارانه ی جدید قرار گیرد و هرگونه مداخله در بافت می بایستی مبتنی بر اصول و مبانی ساختارهای جدید به ضرورت طرح یک راه حل مناسب، جهت مقابله با پدیده گسترش بیرویه شهرها از یک طرف، و تغییر نگرش نحوه مداخله در بافت های درونی قدیمی و ناکارآمد از طرف دیگر، سبب تکامل یافتن چارچوب های نظری این نحوه مداخله در بافتهای شهری، با هدف استفاده هر چه بهتر از فضاهای خالی در محیط های تاریخی گردد. این استراتژی ها، اصول و رویکردها جنبه کلی داشته و باید نسبت به هر محیط تاریخی و بر اساس ویژگی های معماری در هر منطقه زیستی نوع ساختار بر اساس موارد یاد شده جنبه عملیاتی و اجرایی به خود گیرد.

کالبدی را مدنظر قرار می دهد و بر این مبنا علاوه بر الگوهای فرمی، روش مداخله و الگوهای کالبدی مسکن نیز از جمله شاخصه هایی خواهند بود که راهکار را تعریف می نماید.

تحلیل الگوی معماری در محیط تاریخی شهرهای ساحلی بر پایه زبان طراحی الگوی معماری مسکن

با توجه به بررسی های انجام شده می توان نمونه های ذیل را به عنوان الگوی های مداخله کاربردی در محیط تاریخی شهرهای ساحلی جنوب کشور (حوزه خلیج فارس) به عنوان نمونه ارائه داد.

نتیجه گیری و جمع بندی

مراکز تاریخی شهرها تشکیل دهنده کلیت وسیعتری است و باید به عنوان بخشی از واقعیت پویای زمان حال و نه صرفاً به عنوان یک موضوع ایستا و جذب توریست مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد. لذا مخالفت با احداث ساختارهای جدید در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می رود. از آنجا که یک ساختار جدید با توجه به موقعیت و طراحی اش می تواند اثر زیان

منابع و مآخذ

- اسمعیلی سنگسری، حسین (۱۳۹۳) راهکارهای احیا بافت های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۳۷، تهران، ۳۵-۵۶
- برولین، برنت سی (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه رضیه رضازاده، اصفهان، نشر خاک.
- بهزاد فر، مصطفی و نور محمد زاده (۱۳۹۱) بافت شناسی بافت کالبد تاریخی شهر یزد با نگرش سیستمی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۲۹، تهران، صفحه ۳۲-۴۸
- پور جعفر، محمد رضا، (۱۳۹۲) طراحی شهری محیطی کنار آب، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. تیزدل، استیون، اک، تنر و هیث، تیم (۱۳۸۸) احیای محله های تاریخی شهرها، ترجمه ساریخانی، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- توسلی، محمود (۱۳۷۰) طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴) مرمت شهری، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- حناچی، پیروز (۱۳۹۱) مرمت شهری در بافت های تاریخی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رادول، دنیس (۱۳۹۲) حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی، ترجمه پیروز حناچی، یلدا شاه تیموری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عزیزی، محمد مهدی و آراسته، مجتبی (۱۳۹۰) طراحی الگوی برنامه ریزی راهبردی در توسعه فضاهای رها شده شهری با استفاده از رویکرد تلفیقی فازی و SWOT، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری شماره ۲۸، تهران، صفحه ۳۱۴-۳۳۰
- فلامکی، منصور (۱۳۸۶) باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- کرامر یوهانس و برتلینگ استفان (۱۳۹۳) معماری در بافت موجود، ترجمه رضا ابویی و رامین رضایی، فرزین مرادی، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- کلانتری، حسین و پور احمد، احمد (۱۳۸۴) فنون و تجارب برنامه ریزی بافت های تاریخی شهرها، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- محمودی، محمد مهدی و اسلامی، لیدا (۱۳۹۰) بررسی راهکارهای بهبود و سازماندهی یکپارچه بافت فرسوده ساحلی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۲۸، تهران، صفحه ۸۱-۹۲
- مسعود، محمد، بیگ زاده شهرکی، حمید رضا (۱۳۹۱) بناهای میان افزا در بافت های تاریخی مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی، تهران.
- NEMW (2001) "Strategies for Successful Infill development", Northeast-Midwest Institute Congress for the New Urbanism. Retrieved from: <http://www.nemw.org/infillbook.htm> (2008)
- Orbasli, Aylin (2008), Architectural Conservation: Principles and Practice, Blackwell Science.
- Guzmán Torres, Zasha N (2009), Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship, Directed By: Dr. Donald W. Linebaugh, School of Architecture Planning and Preservation, University of Maryland, College Park